

## جادوگران و ماگل ها :

در مجموعه کتابهای هری پاتر، دیوانه سازها موجوداتی هستند با توانایی گرفتن تمام خاطرات خوش و دوست داشتنی زندگی به طوری که هر یک از جادوگران با مواجه شدن با یک دیوانه ساز تمام خاطرات خوش زندگی خود را از دست داده و فقط و فقط یادگارهای بد و ناراحت کننده زندگی در درون آنها باقی می ماند و این امر - مواجه بودن با یک دیوانه ساز - به مرور در صورت استمرار باعث دیوانگی آن جادوگر خواهد شد. هری در اولین مواجهه با یک دیوانه ساز احساس سرمای شدیدی می نماید و از حال می رود - در حالی که برای دوستانش چنین اتفاقی نمی افتد! - و حتی توضیحات لوپین - مهتابی - هم در ارتباط با اینکه عکس العمل هر شخص در ارتباط با دیوانه ساز بستگی به گذشته او دارد و نه توانایی و قدرت شخص، هری باز هم از این موضوع که چرا در میان دوستانش این فقط اوست که در مواجه شدن با یک دیوانه ساز از حال می رود، را نمی تواند فراموش کند و همین موضوع به همراه اتفاقی که برای هری در بازی کوئیدیچ می افتد ( ورود دیوانه سازها به محوطه مدرسه هاگوارتز و سقوط هری از روی جادوگری پرنده اش به همین دلیل و در نتیجه باخت تیم کوئیدیچ گریفندور ) باعث می شود تا هری جدا به دنبال راه حلی برای رفع این مشکلش باشد و در این راه مهتابی کمکهای زیادی به او می کند و...

واقعا احساس نداشتن هیچ خاطره خوش در زندگی و تنها دیدن بدبختی ها هر انسانی را - به هر اندازه هم که قوی باشد - از پای خواهد انداخت و سرانجامی بهتر از دیوانگی برای او نخواهد داشت. در دنیای اطراف خودمان هم اگر نگاهی هر چقدر کوچک و سریع - اما با دقت - داشته باشیم بدون شک می توانیم موارد بسیاری از دیوانه سازهایی که آزادانه به دنبال شخصی برای دزدیدن - یا مکیدن - خوشی هایش میگردند خواهیم یافت. بیایید کمی بیشتر و با دقت تر به اطراف خودمان نگاه کنیم...

شاید شما هم در میان اقوام، دوستان و یا آشناهایتان نمونه یا نمونه هایی از افرادی که تنها هنرشان القا تفکرات منفی و به نوعی دلسرد کردن انسانها است، سراغ دارید؟! آیا تا بحال خودتان با این اشخاص مواجه شده اید؟ احساس و عکس العملتان در مواجه با این دیوانه سازهای مشنگی چگونه بوده است؟ تاثیر آنها را بر روی خودتان تا چه مدت بعد از آن احساس می کردید و چگونه از شر آن خلاص شده اید؟

بگذارید کمی دیگر از داستانهای هری را بخاطر بیاوریم. بر طبق گفته مهتابی، برای خلاص شدن از دیوانه سازها تنها و تنها یک راه وجود دارد و آن هم استفاده از یک افسون و تمرکز بر روی یکی از بهترین خاطرات زندگی در حال بیان آن است. اما ... با این حال - و با توجه به سادگی ظاهری انجام این کار - تنها جادوگران بسیار ماهر و توانمند قادر به استفاده از این روش می باشند و بسیاری از جادوگران در انجام آن ناتوان هستند. به هر حال در صورت موفقیت در انجام این کار چیزی با نام **سپر مدافع** از انتهای چوبدستی خارج خواهد شد که

باعث عقب رانده شدن دیوانه سازها می شود.

شاید کمی مسخره به نظر بیاید اما - نه به معنای باور کردن داستان بلکه فقط برای الهام گرفتن از موقعیت ها و شرایطی که در آن وجود دارد - شاید از همین روش بتوان در مواجهه با دیوانه سازهای اطرافمان استفاده کنیم؟! امتحان کردنش هیچ ضرری نخواهد داشت اما به خاطر داشته باشید که ما حتی یک پله از هری و همنوعانش هم عقب تر هستیم و دیوانه سازهای اطرافمان شکل خاص و قابل تشخیصی ندارند هر چند که با توجه به خصوصیات رفتاری خاص، می توان به راحتی آنها را دید. همچنین تنها جادوگرانی قادر به انجام این جادو می باشند که قدرت زیادی دارند و این به معنای آن است که ما نیز باید چنین قدرتی برای مبارزه از این دیوانه سازها در خودمان ایجاد کنیم. موفق باشید .

جمع آوری : سینا اسنیپ

از وبلاگ هری پاتر ۲۰۰۰